ZENDEGI - SALAM
زندگی سلام
ضمیمه روزنامه خراسان
پنج شنبه • ۲۳ شهریور ۱۳۹۶
۲۳ ذی الحجه ۱۴۳۸ • ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۷
۸۵۷

آشنایی با پویشی مردمی که می‌خواهد زمین را از شر پلاستیک‌ها نجات دهد

میشه دور نریخت!*

طراح: سعید مرادی

الهه توانا- با «آرتوانی»ها دو سال پیش آشنا شدم؛ گروهی جوان و باانگیزه که یک گوشه پارک، چندتا استوانه پلاستیکی پر از در بطری گذاشته‌بودند و با شور و حرارت از مردم می‌خواستند چند دقیقه‌ای به حرف‌هایشان گوش کنند. راستش حرف‌هایشان دقیق یادم نمانده‌است اما فکر می کنم چیزهایی می گفتند درباره این‌که زمین دارد زیر انبوهی از پلاستیک خفه می‌شود، دفن می‌شود؛ این‌که وظیفه ماست تا از نابودی خانه و آینده فرزندانمان جلوگیری کنیم. درِ بطری، کوچک‌ترین پلاستیک قابل بازیافت، را هم به‌عنوان نماد پویش و حرکتشان انتخاب کرده‌بودند تا ثابت کنند از کنار هیچ‌چیز به‌ظاهر بی‌اهمیتی نباید به‌راحتی بگذریم. یادم می‌آید همان‌موقع زمزمه‌هایی هم شنیدم درباره این‌که با این درهای بطری غیر از نجات زمین از خفگی، کارهای بزرگ و مهم دیگری هم می‌شود انجام داد؛ مثل خریدن ویلچر برای افراد نیازمند. حالا بعد از گذشت دو سال، دلم می‌خواست بدانم سرنوشت آن درهای کوچک رنگارنگ چه شد؟ توانستند در بهتر کردن حال کره زمینمان سهمی داشته‌باشند؟ گره ای از کار کسی باز کردند؟ برای همین، هفته گذشته با گروه مردمی- محیط‌زیستی «آرتوان» قرار گذاشتم و مشتاقانه پای صحبت اعضای گروه نشستم؛ بچه‌ها برایم از نحوه شکل‌گیری گروه و فعالیت‌هایشان گفتند و روند کارشان را از لحظه جمع‌آوری در بطری تا تبدیل آن به ویلچر تعریف کردند. شما هم اگر استوانه‌های پلاستیکی جلوی در فروشگاه‌ها را دیده‌اید و با تحویل دادن در بطری‌هایتان در این پویش سهیم شده‌اید یا اگر امروز برای اولین بار است که اسم آرتوان را می‌شنوید؛ این پرونده را از دست ندهید.

* «میشه دور نریخت»، شعار گروه آرتوان است.

«آرتوان» کی و چطور شکل گرفت؟

عکس: وحید بیات

■ **محسن میزانی، ۲۵ ساله، کارمند تأمین اجتماعی، مسئول و پایه‌گذار آرتوان**

ایده جمع‌آوری درِ بطری، به سال ۲۰۰۷ برمی گردد؛ مدرسه‌ای در ژاپن، شروع به جمع‌آوری در بطری می کند و با عواید حاصل از آن، برای آفریقا واکسن فلجِ اطفال می‌فرستد. این ایده خیلی زود به بقیه کشورهای دنیا راه پیدا می کند و در هر جایی نوع کمک‌ها متفاوت می‌شود؛ البته به‌طور کلی، بیشتر کمک‌ها به تهیه ویلچر برای افراد نیازمند منحصر و در بطری، به‌عنوان نماد ویلچر شناخته می‌شود. در کشور ما جمع کردن در بطری، از حدود سال ۹۱ و در بین گروه‌های محیط زیستی رایج شد؛ آن موقع پویشی در فضای مجازی راه افتاده‌بود به اسم «یک میلیون در بطری» که البته چندان فراگیر نبود و ما هم خیلی به آن خوش‌بین نبودیم چون از بابت همراهی و همکاری مردم، نگرانی زیادی داشتیم. این ترس و نگرانی وجود داشت تا سال ۹۳ که بچه‌های «رفتگران طبیعت تبریز» به‌صورت رسمی این پویش را اجرایی کردند و توانستند در طول شش ماه، شش دستگاه ویلچر بخرند. این موفقیت، ترس شروع کار را در بقیه شهرهای کشور ریخت. ما هم رفتگران طبیعت بودیم (یک گروه داوطلب که هرازگاهی با هم قرار می گذارند و طبیعت را پاک سازی می کنند) و تصمیم گرفتیم پویش جمع‌آوری در بطری را در خراسان راه بیندازیم؛ این‌گونه بود که «آرتوان» در تابستان ۹۴ با پنجاه نفر نیروی داوطلب شکل گرفت.

مرحله اول؛ درهای بطری به کمک مردم جمع آوری می‌شود

این بیست‌وسه نفر!

■ **شهیدی، ۳۷ ساله، ویزیتور، عضو با سابقه کار گروه جمع‌آوری**

همه‌چیز از این‌جا شروع می‌شود. تعدادی استوانه پلاستیکی (حجم) در نقاط مختلف شهر وجود دارد که مردم درِ بطری‌هایشان را توی آن‌ها می‌ریزند. روی حجم‌ها، شماره تماس با آرتوان درج شده‌است. آشیانه‌ها (مغازه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، مجتمع‌های تجاری و مسکونی، کارخانه‌ها، رستوران‌ها، خیریه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و هر جای دیگری که حجم‌های آرتوان را داشته‌باشد) به ما زنگ می‌زنند و می گویند حجمشان پر شده‌است. ما در کارگروه جمع‌آوری، یک گروه تلگرامی داریم و آشیانه‌هایی را که به تخلیه نیاز دارند، در آن اعلام می کنیم. هر منطقه از شهر، یک مسئول دارد که جمعا بیست‌وسه نفر می‌شویم؛ این تعداد نیرو برای جمع‌آوری و تخلیه بیش از ۲۵۰ آشیانه در سطح شهر است. در بطری‌ها را بعد از جمع‌آوری، توی خانه نگه می‌داریم و بعد از این که تعدادشان زیاد شد، به آشیانه مرکزی منتقلشان می کنیم. برای انتقال درها به آشیانه مرکزی، به وانت نیاز داریم که معمولا برای تهیه کردنش به مشکل برمی‌خوریم. آشیانه مرکزی‌مان، «سرای نجات‌یافتگان مولا علی (ع)» است؛ یک نهاد مردمی که به معتادانِ مشتاق بهبودی کمک می کند تا به زندگی عادی برگردند و گردانندگانش هم کارتن‌خواب‌های بهبودیافته هستند. در بطری‌ها در آن‌جا تفکیک رنگ می‌شود و بعد از آن، برای ساخت تابلو و کارهای دیگر برای اعضا فرستاده می‌شود.

■ **متین خامسی، ۲۲ ساله، دانشجوی عمران، مسئول کارگروه جمع‌آوری**

این کارگروه، قلب تپنده آرتوان است؛ البته کار ما از یک مرحله پیش از جمع‌آوری، یعنی با ساخت حجم شروع می‌شود. خط تولید حجم، کاملا تخصصی، حرفه‌ای و در اختیار خانواده «خامسی» است! ما یعنی من، خواهرم، پدرم و مادرم حجم‌سازی مشهد و حومه را در دست داریم و به شهرهای دیگر هم صادر می کنیم! نوعی تلق وجود دارد که آن را به‌صورت کیلویی می‌خریم؛ یک توپ تلق تقریبا ۵۰ کیلو است و حدود ۱۰۰ تا حجم به ما می‌دهد، کل خانواده بسیج می‌شویم و حجم‌ها را می‌سازیم؛ یک نفر برش می‌زند، یک نفر چسب‌کاری می کند و یک نفر منگنه می‌زند. کار اوایل برایمان سخت بود اما حالا با نوآوری‌های پدر نسبتا آسان شده‌است؛ مثلا یک پرگار مخصوص برای درست کردن مقطع حجم ساخته‌ایم که کارمان را خیلی راحت کرده یا یک‌سری قیچی درست کرده‌ایم که به اندازه‌ای مشخص باز می‌شود و لازم نیست هربار تلق را اندازه بگیریم. مشکل بزرگ ما ساختن حجم نیست بلکه تهیه مواد اولیه است؛ یک توپ تلق حدود ۵۰۰ هزار تومان قیمت دارد که برای ما زیاد است. مسائل غیرمالی برایمان خیلی مهم نیست و از پسشان بر می‌آییم؛ مثلا خود من بارها با دوچرخه و کوله‌پشتی کوهنوردی برای تخلیه حجم رفته‌ام.

مرحله دوم؛ درهای بطری به آثار هنری تبدیل می‌شود

دکورسازی برای برنامه علی ضیاء

■ **صدف سعادتی، ۲۱ ساله، دانشجوی مدیریت گردشگری، سرپرست کارگروه ساخت**

در بطری‌ها بعد از تفکیک رنگ، به دست ما در کارگروه ساخت می‌رسد؛ ما این‌جا، به‌ظاهر بی‌اهمیت‌ترین مواد بازیافتی را به آثار هنری تبدیل می کنیم؛ تابلوها و المان‌های شهری، دکور برنامه‌ها و لوگوی سازمان‌ها بخشی از کار ماست؛ مثلا برای برنامه «سرزمین ما»، که از شبکه یک پخش می‌شود، دکور درست کرده‌ایم؛ برای برنامه «فرمول یکِ» علی ضیاء یک تابلوی ویژه فرستادیم و برای دانشگاه فردوسی، جهاد دانشگاهی و موسسه همدم هم لوگو زده‌ایم. ما کارمان را با تابلوهای کوچک و طرح‌های هندسی ساده شروع کردیم و به‌تدریج پیشرفت کردیم؛ آن‌قدر که در جشنواره فیلم فجر سال گذشته سه تابلوی سه در سه برای سینما هویزه درست کردیم. البته بگویم که همه کارهایمان کاملا تجربی است و هیچ کدامان از هنر سررشته‌ای نداریم.

■ **سارا حاتمی، ۲۰ ساله، دانشجوی مترجمی زبان انگلیسی، سرپرست دوم کارگروه ساخت**

کار ما یک‌جورهایی شبیه قالی‌بافی است. در بطری‌های تفکیک رنگ شده را دوباره تفکیک می کنیم؛ بعد آن‌ها را کدگذاری می کنیم، تعدادی از بچه‌ها شروع به رنگ‌خوانی و نقشه‌خوانی می کنند و بقیه، درها را به پایه مخصوص می‌چسبانند. از آن‌جایی که ما برای ساختن تابلوها، در بطری‌ها را رنگ نمی کنیم و از آن‌جایی که این درها همه طیف‌های رنگی مورد نظر ما را ندارند، یک‌سری ترفند برای خودمان خلق کرده‌ایم؛ مثلا برای درآوردن سبز پسته‌ای، در بطری دوغ نزدیک‌ترین رنگ است. راستی ما کار طراحی چهره با در بطری هم انجام می‌دهیم که شبیهش هیچ کجای کشور وجود ندارد. خلاصه کارمان آن‌قدر گرفته که الان دیگر مثل قبل مجبور نیستیم برای معرفی کردن پویشمان، تابلوها را به قیمت خیلی پایین بفروشیم. اما مشکل بزرگ ما، تهیه مواد اولیه (چسب و پلی کربنات و ابزارآلات) و تهیه هزینه‌های اعضای گروه است. ببینید هدف اصلی ما ترویج تفکیک زباله و انجام کار خیر است؛ یعنی نباید از درآمد حاصل از فروش در بطری، برای تهیه مواد اولیه استفاده کنیم اما چاره‌ای نداریم. آرتوان اگر حامی مالی داشته‌باشد، می‌تواند صددرصد فروشش را به کار خیر اختصاص بدهد.

مرحله سوم؛ آثار هنری و بقیه در بطری‌ها فروخته و با پولش ویلچر تهیه می‌شود

دست در دست هم!

■ **امید قلعه‌حسن، ۲۶ ساله، دانشجوی ارشد مدیریت صنعتی، مسئول فروش**

آرتوان به‌طور کلی از دو روش، کسب درآمد می کند؛ یکی ساخت تابلو که بچه‌ها توضیح دادند و دیگری، فروش در بطری. در بطری نسبت به خود بطری، آلیاژ و دمای ذوب متفاوتی دارد، به‌همین دلیل این دو باید از هم جدا شوند تا در جریان بازیافت، مخلوط ناهمگونی ایجاد نشود. محصول نهاییِ بعد از بازیافت کردنشان هم با یکدیگر متفاوت است؛ از در بطری، برای تهیه پلاک (رول پلاک)، نوعی لوله برق و گلدان استفاده می‌شود و از خود بطری در ساخت موکت. ما، درهایی را که در ساخت محصولات هنری مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، به بازیافت‌های خصوصی می‌فروشیم. بعد از این‌که در بطری، به پول تبدیل شد می‌رویم برای خرید ویلچر. صاحب کارخانه‌ای که ویلچرها را از آن می‌خریم، ما را می‌شناسد و سود محصولش را از ما نمی‌گیرد. جالب است بدانید ما حتی روزهای اول، قیمت ویلچر را نمی‌دانستیم؛ ۲۰۰ هزار تومان پول جمع کرده‌بودیم و رفته‌بودیم برای خرید. آقای همایونی، رئیس کارخانه، بعد از آشنایی با فعالیت‌های ما، اولین ویلچر را به ما هدیه داد. ایشان، هربار که برای سفارش تماس می گیریم اگر قیمت ویلچر بالا رفته‌باشد، کلی عذرخواهی می کند و حتی تلاش می کند از بار قبلی و با قیمت کمتر برایمان ویلچر، کنار بگذارد. کسانی که به ما محبت دارند، تعدادشان کم نیست؛ بچه‌ها از «سرای نجات» گفتند که آشیانه مرکزی ماست؛ من دوست دارم این جمعیت را بیشتر بشناسید. اعضای سرای نجات‌یافتگان مولاعلی (ع)، ۱۵۰ نفر کارتن‌خواب بهبودیافته هستند که آقای «مصطفی آذری» آن‌ها را دور هم جمع کرده‌است؛ این افراد از طرف جامعه و خانواده طرد شده‌اند اما کار می کنند و به افرادی مثل خودشان که می‌خواهند بهبود پیدا کنند، کمک می کنند؛ سرای نجات همان‌طور که گفتیم به آرتوان لطف دارد و برای دپوی در بطری‌ها، مکانی را در اختیار ما گذاشته‌است، آرتوان هم یکی از افتخاراتش این است که مبلغی را به این مجموعه هدیه و به ایجاد اشتغال برای این افراد کمک کرده‌است.

مهربان‌تر باشیم

■ **سیما شیخ‌زاده، ۲۴ ساله، کارشناس گرافیک، مسئول کارگروه «مهربان‌تر باشیم»**

اهدای ویلچر از همان ابتدا، جزو روال کاری آرتوان بوده‌است اما اخیرا تیمی تشکیل شده‌است تا روند کمک‌رسانی، منظم‌تر و منسجم‌تر شود. آرتوان تا امروز ۴۰ دستگاه ویلچر، یک کپسول اکسیژن و تعدادی لوازم‌تحریر به خانواده‌های نیازمند اهدا کرده‌است. اما در کارگروه مهربان‌تر باشیم، قرار است حوزه کمک‌رسانی‌ها وسیع‌تر بشود؛ ما فرم‌هایی تهیه کرده‌ایم تا خانواده‌های نیازمند را شناسایی و نیازها را اولویت‌بندی کنیم؛ همچنین در حد توان، ارتباط مان را با این خانواده‌ها تا برطرف شدن نیازها و حل شدن مشکلات و رسیدن به وضعیتی باثبات، حفظ کنیم. درواقع هدف مهم ما در این کارگروه کارگشایی است و برای رسیدن به آن، با خیریه‌ها و افراد خیر در ارتباط خواهیم‌بود. من پیش از این، هم دغدغه‌های محیط زیستی داشتم هم دغدغه کمک به هم‌نوع که آرتوان بین این دو دغدغه پیوند برقرار کرده‌است.

کوچولوهای دوست‌داشتنی

■ **مینا رضازاده، ۳۳ ساله، فارغ‌التحصیل ادبیات، مسئول بخش «دربک»**

«دربک» یعنی درب+ک (کاف تحبیب به‌معنی دوست داشتن یا کاف تصغیر به‌معنی کوچک بودن)؛ ما می‌خواهیم بگوییم این درها با وجود کوچک بودنشان برای ما عزیز هستند و باید حواسمان بهشان باشد؛ از طرف دیگر، مخاطب ما بچه‌ها هستند و می‌خواهیم فرهنگ بازیافت را به بچه‌ها یاد بدهیم. در بطری‌ها وقتی تفکیک رنگ می‌شود، غیر از گروه ساخت در اختیار «دربک» هم قرار می گیرد. من استثنائا در این کارگروه، در بطری‌ها را می‌شویم. ما به مدارس، مهدکودک‌ها و مکان‌های مخصوص کودکان مثل رستوران کودک و موزه‌ها می‌رویم و برای بچه‌ها برنامه اجرا می کنیم؛ بازیافت و نقش و اهمیت آن را در زندگی توضیح می‌دهیم و به‌صورت عملی تفکیک زباله را با هم تمرین می کنیم؛ آرتوان را به بچه‌ها معرفی می کنیم، با هم نمایش بازی می کنیم و کاردستی درست می کنیم.

آرتوانی شوید

■ **مینا خامسی، ۱۹ ساله، دانشجوی مهندسی شهرسازی، مسئول برگزاری جشن‌ها و همایش‌ها**

شایعه‌ای وجود دارد که ما در ازای تعداد مشخصی در بطری، ویلچر می‌دهیم. چندوقت پیش توی یکی از بازارچه‌ها، آقایی عصبانی آمد سراغ ما و گفت من در اتاقم را نمی‌توانم باز کنم، هفت هزار و پانصدتا در بطری دارم، چرا ویلچرم را نمی‌دهید؟ ما بارها توضیح داده‌ایم که چنین چیزی امکان ندارد و اصلا سازوکار گروه ما بر اساس شناسایی افراد نیازمند و اولویت‌بندی است. به‌علاوه، هر ۴۰۰ عدد در بطری، می‌شود یک کیلو. هر یک کیلو را بالاترین قیمتی که از ما بخرند، بین هزار تا هزار و پانصد تومان است. یعنی ۱۲۰ هزارتا در بطری (حدود ۳۰۰ کیلو) باید فروخته‌شود که ۳۰۰ هزار تومان پول خرید یک ویلچر جور بشود. واقعا دلمان می‌خواست جایی به این شایعات پاسخ بدهیم. اما کسانی که می‌خواهند در جریان فعالیت‌های ما قرار بگیرند و یا دوست دارند با ما همکاری کنند، می‌توانند به کانال تلگرام ما سر بزنند؛ @artoan_ir. ما یک بات تلگرامی هم داریم؛ @artoan_bot که مردم می‌توانند آن‌جا فهرست آشیانه‌های ما را ببینند و برای تحویل دادن در بطری‌هایشان، نزدیک‌ترین آشیانه را پیدا کنند؛ در این بات، امکان عضویت در آرتوان و درخواست آشیانه هم وجود دارد. در ضمن، ما هفته اول آذرماه در سالن فردوسی جهاد دانشگاهی (سه راه ادبیات)، همایش و نمایشگاه داریم و از الان خوانندگان شما را به حضور در این برنامه‌ها دعوت می کنیم؛ در همایشِ پیش رو قرار است از فعالان محیط زیستی، تقدیر شود و در نمایشگاه هم تابلوهای پرتره از افراد محیط زیستی را به نمایش می گذاریم.

مروری سریع بر جذاب ترین پست های یکی دو روز اخیر شبکه های اجتماعی

سلفی خانم بازیگر با توتی، پُست جالب آقای وزیر و مابقی ماجراها

شبکه های اجتماعی همیشه پر است از اتفاق های جالبی که قبلاً فرصت فراگیر شدن را نداشتند. امروز مروری داریم بر جالب ترین مواردی که در سه شنبه شب و چهارشنبه در شبکه های اجتماعی ترند شدند.

■ **محسن افشانی و پنالتی نفس گیر منشا**

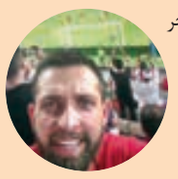

یکی از جالب ترین ویدئوهایی که در کانال های تلگرامی همزمان با دقایق آخر بازی پرسپولیس و الاهلی پخش شد ویدئویی بود که محسن افشانی بازیگر جوان سینمای ایران از لحظه پنالتی نفس گیر منشا گرفته بود. افشانی که انگار استرس بازی اجازه نمی دهد پنالتی را تماشا کند پشت به زمین بازی ایستاده و از لحظه پنالتی فیلم می گیرد. هیاهوی جالب تماشاگران ایرانی به استرس افشانی پایان می دهد و خبر از گل برتری پرسپولیس دارد.

■ **سحر قریشی این جا، اون جا، همه جا**

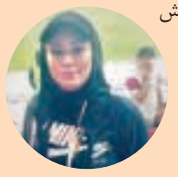

درست وقتی تصاویر سحر قریشی در استادیوم بازی پرسپولیس و الاهلی پخش می شد ویدئویی از او منتشر شد که مربوط به چند روز قبل بود و در کنار سمانه پاکدل همدیگر را هووی هم خطاب می کردند. خنده های بلند و رفتار سمانه پاکدل و سحر قریشی در این کلیپ کوتاه که مصاحبه با یک تلویزیون اینترنتی است به خاطر اظهارات این دونفر مثل این که سمانه پاکدل قریشی را داداشی خود خطاب می کند مورد توجه کاربران شبکه های اجتماعی قرار گرفته است.

■ **پست جالب آقای وزیر**

وزیر جوان ارتباطات، جواد آذری جهرمی از همین روزهای اول می خواهد نشان بدهد سپردن مسئولیت به جوانان چه ویژگی های جالبی دارد. جهرمی که اولین و تنها وزیر دهه شصتی است ارتباط خوبی با فضای مجازی دارد و در اینستاگرامش تصویری از یک خانم با این توضیحات منتشر کرد: «این تصویر را دیروز در میانه شلوغی کار دیدم. زیرنویس عکس حاکی از این بود که با کارمند معترضی در مخابرات آذربایجان غربی برخورد شده و میز و صندلی وی جمع آوری شده است. اخباری به من دادند که تقاضاهای این گروه قابل اجابت نیست و خارج از قواعد فعلی مخابرات ایران است. موضوع را در همان شلوغی برای مدیرعامل مخابرات ایران ارسال کردم و خواستم سریعا پیگیری کنند و مشکل مرتفع گردد. بخش بزرگی از توان ارتباطات کشور به سرمایه انسانی است. مخابرات ایران شاید در ظاهر با مشکلات مالی مواجه باشد اما همواره حفظ کرامت انسانی بر ما واجب است. امیدوارم به زودی جای این اشک و تلخی، لبخند و شادی بر لبان این خواهر آذری ام نقش ببندد.» پست آقای وزیر تا لحظه تنظیم این مطلب بالای ۱۳ هزار لایک داشته است.

■ **تکذیب خبر تخریب معبد باستانی «شمی» و یک توضیح**

احتمالا شما هم از ادعای تخریب معبد شمی، خاستگاه مرد پارتی، با خبر هستید. خبرگزاری «میزان» روز گذشته خبری منتشر کرد که در آن دادستان ایذه آقای مراد شمولی در تشریح خبر تخریب و منفجرشدن معبد باستانی شمی گفت: «با توجه به تحقیقات به عمل آمده معبد باستانی در شمی وجود خارجی ندارد و هیچ گونه معبدی به این نام ثبت آثار تاریخی نشده است.» وی افزود: «در این محل فقط سه سکوی نیایش و یک قبرستان زیرزمینی که جزو آثار باستانی است، وجود دارد». دادستان ایذه اضافه کرد: «این خبر بدون اطلاعات کافی مطرح و باعث حساسیت و تشویش اذهان عمومی شده است که با عاملان آن برخورد قانونی صورت خواهد گرفت». البته همان طور که در پرونده دیروز «زندگی سلام» هم نوشتیم خبر انفجار همان روز سه شنبه توسط رئیس سازمان میراث فرهنگی ایذه تکذیب شده بود و ایشان به خبرنگار ایرنا گفت: «منکر حفاری در منطقه نیستیم؛ چراکه حفاری آثار تاریخی در همه جای کشور انجام می‌شود و یک اپیدمی ملی است. مسئله این است که ما مشکل کمبود نیروی یگان حفاظت داریم و این یک واقعیت است». بحث اصلی در این باره این است که هر عنوانی برای آن محل انتخاب کنیم اصل ماجرا این است که ضمن تایید رئیس سازمان میراث فرهنگی ایذه در آن منطقه متاسفانه حفاری غیرقانونی برای دسترسی به آثار باستانی انجام می شود و هوشیاری مسئولان را برای حراست از میراث تاریخی و هویتی کشور می طلبد.

■ **این تابلو اجاره داده نمی شود**

اما یکی از تصاویری که خیلی مورد توجه قرار گرفت مربوط به یک تابلوی تبلیغاتی بود که گفته می شود در شهر فریمان است، زیر این تابلو نوشته شده: «با توجه به لانه کردن کبوتر روی این تابلو، تابلو تا اطلاع ثانوی اجاره داده نمی شود.» این که به خاطر حفظ آرامش یک کبوتر قید پول زده شود چیز کمی نیست!

■ **سلفی هستی مهدوی فر با فرانچسکو توتی**

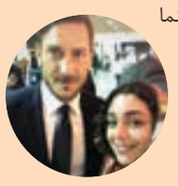

اما ترند آخر این مینی پرونده مربوط است به هستی مهدوی فر بازیگر سینما و تلویزیون که یک سلفی جالب در کنار فرانچسکو توتی اسطوره فوتبال ایتالیا گرفته و بدون هیچ توضیحی در اینستاگرامش منتشر کرده است. جالب است بدانید که این بازیگر فیلم «۵۰ کیلو آلبالو» برخلاف دیگران که برای عکس های معمولی شان توضیحات فلسفی منتشر می کنند عادت به نوشتن متن ندارد حتی وقتی از بنای معروف ایتالیا یعنی کلوزیوم عکس گرفته یا در کنار توتی که کمتر کسی فرصت نزدیک شدن به او را دارد.

■ **شوخی سرعتی**

در آخرین ساعات روز سه شنبه شرکت اپل از آخرین مدل گوشی خود ملقب به آیفون ۱۰ رونمایی کرد. از قابلیت های پرسروصدای این روزهای اپل قابلیت Face ID بوده که در این گوشی ارائه شده است. شعار تبلیغاتی این فناوری جدید اپل هم این است که: «آیفون ۱۰ قفل می‌شود تا زمانی که شما به آن نگاه کنید و او شما را بشناسد.» اما هنوز ساعتی از معرفی این گوشی توسط شرکت اپل نگذشته بود که سوژه کاربران در فضای مجازی شد و در زیر یک عکس از سیلوستر استالونه نوشتند: «وقتی در شرایط اضطراری باید به پلیس زنگ بزنی و «فیس‌آیدی آیفون» چهره ات را تشخیص نمی دهد!»

■ **ساعت میلیونی لیلا بلوکات**

لیلا بلوکات در اینستاگرامش کپشن آموزنده ای قرار داد که در آن از غرور، تعصب، کمرویی، ترس، عادت کردن، بدبینی، خودشیفتگی، شکایت و خود بزرگ بینی موانعی برای زندگی بهتر یاد کرده است. اما کاربران فضای مجازی معتقدند در این تصویر ساعت چند ده میلیونی، آیفون آخرین مدل در بازار، کیف چرم برند و عینک آفتابی لاکچری خانم بازیگر بیشتر از توصیه هایش خودنمایی می کند، البته اگر در مورد قیمت ها اغراق نشده باشد.